

ساختار صوری نقوش طبیعی در  
سوزن‌دوزی زنان بلوچ (باتاکید  
بر نمونه‌های شهرستان سراوان)



سوزن‌دوزی بلوچ با رنگ‌ها و  
نقوش سنتی



## ساختار صوری نقوش طبیعی در سوزن‌دوزی زنان بلوچ (با تأکید بر نمونه‌های شهرستان سراوان)

مرضیه قاسمی\* سکینه‌خاتون محمودی\*\* دکتر سیدرسول موسوی حاجی\*\*\*

تاریخ دریافت مقاله : ۹۲/۳/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله : ۹۲/۱۰/۲۱

### چکیده

سوزن‌دوزی از رایج‌ترین و در عین حال شاخص‌ترین هنرهای متداول در میان زنان قوم بلوچ است که علی‌رغم برخورداری از شهرت فراوان در اغلب پژوهش‌های انجام شده در این عرصه، کمتر به ساختار صوری حاکم بر نقوش آن پرداخته شده است. این تحقیق، که با هدف تبیین و نمایاندن هرچه بهتر هنر سوزن‌دوزی بلوچ (در شهرستان سراوان استان سیستان و بلوچستان) و جنبه‌های ارتباطی ساختار نقوش آن با عناصر طبیعت صورت پذیرفته است، با فرض بر اینکه طبیعت در ایجاد ساختار صوری نقوش سوزن‌دوزی بلوچ نقش مهمی بر عهده دارد، کوشیده است به این پرسش‌ها پاسخ دهد که آیا بین این نقوش با عناصر طبیعت ارتباطی وجود دارد یا خیر، و اگر چنین است این نگاره‌ها را با تکیه بر عناصر طبیعت به چند دسته می‌توان تقسیم کرد. در این تحقیق به شیوه توصیفی و تحلیلی ساختار صوری نقوش سوزن‌دوزی بلوچ در دو گروه نقوش گیاهی و حیوانی بررسی شده است. نتیجه این بررسی نشان از آن دارد که زنان سوزن‌دوز بلوچ در طراحی نقوش طبیعی، ضمن توجه به روابط زیبایی‌شناختی و محیط پیرامون، نقش کارکردی آن‌ها را نیز در تناسب با شیوه طراحی هندسی مد نظر قرار داده‌اند.

### واژگان کلیدی

سوزن‌دوزی، زنان بلوچ، نقوش طبیعی، ساختار صوری، شهرستان سراوان.

\* عضو هیئت علمی گروه مرمت آثار تاریخی، دانشگاه زابل، شهر زابل، استان سیستان و بلوچستان Email: M.ghasemi22@uoz.ac.ir

\*\* عضو هیئت علمی گروه مرمت آثار تاریخی، دانشگاه زابل، شهر زابل، استان سیستان و بلوچستان Email: mahmoodi.s.k@gmail.com

\*\*\* عضو هیئت علمی و دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران، شهر بابلسر، استان مازندران

Email:seyyed\_rasool@yahoo.com

### مقدمه

سوزن‌دوزی از رایج‌ترین هنرهای صناعی در میان زنان بلوچ ایرانی است. نقوش سوزن‌دوزی بلوچ، گرچه در ظاهر به گونه اشکال منظم هندسی بر روی پارچه نقش می‌بندد، غالباً از میان عناصر طبیعی محیط برگرفته می‌شود. تنوع، زیبایی و اصالت این نقوش از یک سو و پیوستگی قابل ملاحظه آن‌ها با طبیعت و محیط پیرامون از دیگر سو سبب شده است تا تأثیرپذیری این نگاره‌ها از صور طبیعی در تحقیق حاضر مورد بررسی قرار گیرد. همچنین توجه به کیفیت‌های زیبایی‌شناختی و اصل هماهنگی نقوش طبیعی با هندسه حاکم بر آن‌ها از موارد دیگر مورد توجه در پژوهش حاضر است.

در این تحقیق، که با هدف نشان دادن تأثیر عناصر طبیعی بر نقوش سوزن‌دوزی بلوچ صورت پذیرفته است، این فرضیه مطرح شده که طبیعت و عناصر سازنده آن در طراحی این نگاره‌ها تأثیر بسیار زیادی داشته و بین نقوش طبیعی سوزن‌دوزی و عناصر طبیعت ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. زنان سوزن‌دوز بلوچ در جستجوی تزیینات ایده‌آل خویش، ضمن استفاده از عناصر هندسی ساده، فضای حقیقی طبیعت را با فضای مجازی این آثار در هم آمیخته و ارتباط بصری مناسبی را میان نقوش برقرار کرده‌اند. مهم‌ترین سؤالاتی که در این زمینه می‌توان مطرح کرد بدین قرار است:

- آیا میان عناصر طبیعت با نقوش رایج در سوزن‌دوزی بلوچ ارتباطی وجود دارد یا خیر؟
- این نگاره‌ها را با تکیه بر عناصر طبیعت به چند دسته می‌توان تقسیم کرد؟

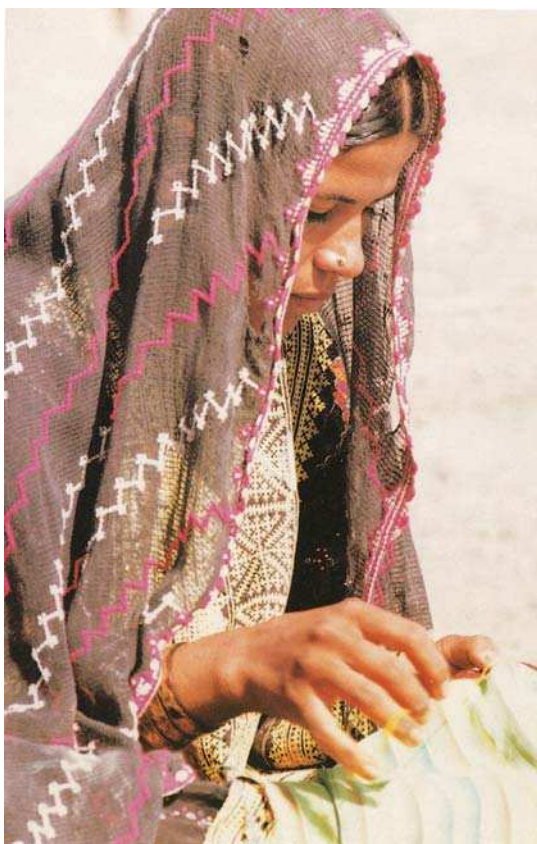
### پیشینه

در بخش پیشینه، پژوهشی مشابه در این زمینه مشاهده نشد و مشخص شد که در بیشتر تحقیق‌های صورت گرفته درباره سوزن‌دوزی بلوچ شیوه تهیه محصولات سوزن‌دوزی مورد توجه قرار گرفته و غالباً در این آثار به جنبه‌های کاربردی آثار سوزن‌دوزی و زیبایی‌های ظاهری نقوش پرداخته شده است، لیکن تأثیر الهام‌بخش طبیعت بر طراحی این نقش‌ها به صورت مجزا مورد توجه قرار نگرفته است<sup>۱</sup>. بنابراین در این پژوهش سعی شده تا به بررسی تأثیر طبیعت بر نقوش سوزن‌دوزی بلوچ پرداخته شود.

### روش تحقیق

روش کار در این پژوهش مبتنی بر شیوه توصیفی و تحلیلی بوده و جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. این پژوهش که در سال ۱۳۹۱ با انگیزه شناخت پوشاک محلی، محصولات سوزن‌دوزی و صنایع دستی بلوچ انجام گردید، حوزه جغرافیایی شهرستان سراوان در استان سیستان و بلوچستان را دربرمی‌گیرد.

۱. برای نمونه تکه (جهانبانی، ۱۳۸۲)، (خاموشی، ۱۳۸۷)، (دکالی، ۱۳۸۵)، (شکرای، ۱۳۶۶)، (شه‌بخش، ۱۳۸۲)، (صبا، ۱۳۷۰)، (فروزان‌فر، ۱۳۷۴)، (هائنه، ۱۳۸۲)، (یغمایی، ۱۳۵۵).

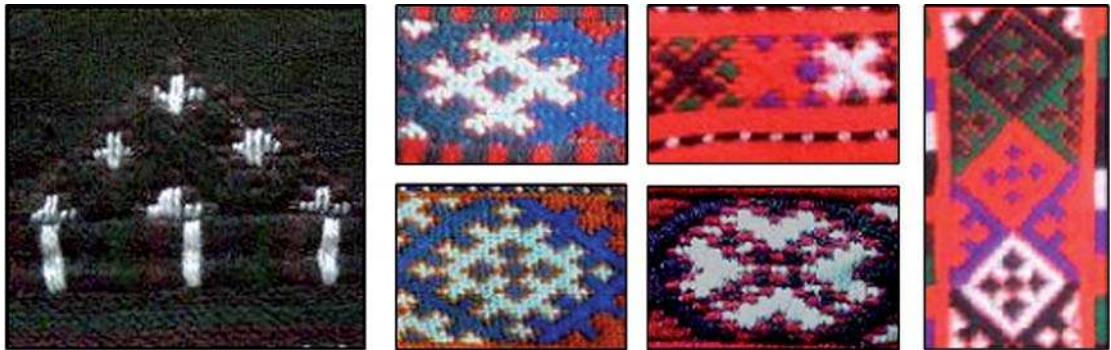


تصویر ۱. زن سوزن‌دوز بلوچ، مأخذ: بهارناز، ۱۳۶۶: ۱۲۲



تصویر ۲. سوزن‌دوزی بلوچ با رنگ‌ها و نقوش سنتی

با توجه به اینکه منطقه سراوان یکی از مراکز مهم تولید محصولات سوزن‌دوزی است و تعداد زیادی از زنان بلوچ ساکن در منطقه سیب و سوران، گشت، کلگان و شهر سراوان به فعالیت اقتصادی در این زمینه مشغول‌اند، منطقه سراوان برای انجام این پژوهش مکان مناسبی به نظر می‌رسید.



تصویر ۳. نقش‌های هندسی



تصویر ۴. چند نمونه از نقش‌های گیاهی

اختصاص دارد. در فرایند کلی تحلیل و بررسی، پیوستگی نقش‌ها با عناصر طبیعی مورد توجه قرار گرفته است. اما در ابتدا با توجه به جایگاه ارزنده قوم بلوچ در بین اقوام ایرانی و با در نظر گرفتن سهم مؤثر زنان این قوم در تولید انواع محصولات سوزن‌دوزی ابتدا به طور اجمالی به معرفی این قوم و جایگاه زن در میان آن‌ها پرداخته می‌شود.

#### قوم بلوچ و جایگاه اجتماعی زن در میان آنان

اقوام بلوچ از اقوام بزرگ ایرانی هستند که در منطقه بلوچستان سکنی دارند. کتیبه‌های بیستون و تخت جمشید از قدیمی‌ترین اسنادی است که در آن‌ها به این سرزمین اشاره شده است. در این آثار از بلوچستان با عنوان «ماکا» یا «مک» یاد شده و این سرزمین چهاردهمین ایالت هخامنشی به شمار رفته است (مخبر، ۱۳۲۴: ۲۲).

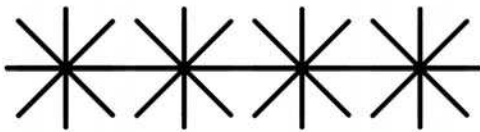
در کتیبه‌های عصر ساسانی از بلوچستان با نام «مکوران، مُکران» نیز یاد شده است (اکبرزاده، ۱۳۸۲: ۴۲). این اسامی تا قبل از اسلام در بین مردم معمول بود و امروزه هم در بسیاری از مناطق این سرزمین را با همین نام می‌خوانند. بنا به نظر برخی از محققان، اصطلاح بلوچستان از زمان نادرشاه (۱۱۶۰-۱۱۴۸ ق) در منابع فارسی پیدا شد. دلیل اصلی جانشینی این اصطلاح نفوذ قبایل بلوچ در منطقه و کمک‌های فراوانی بود که سران این قبایل به نادر شاه کردند (سیدسجادی، ۱۳۷۴: ۹۱).

گزارش‌های ارائه شده در خصوص جمعیت شاغل در این بخش از نبود آمار دقیق و مطمئن در این زمینه حکایت دارد (گزارش معاونت برنامه‌ریزی استانداری: ۱۳۸۸). جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش و تهیه عکس‌های لازم، با مراجعه مستقیم به زنان سوزن‌دوز در مناطق مختلف شهرستان سراوان صورت گرفت. نمونه‌های مورد بررسی به‌روش نمونه‌گیری «تصادفی طبقه‌ای» از میان نگاره‌های طبیعی رایج در این محصولات برای پاسخ گفتن به سؤالات پژوهش انتخاب شدند.

به سبب نبود تحقیق مستقل در زمینه ساختار صوری نقوش سوزن‌دوزی بلوچ و محدودیت منابع مکتوب در این زمینه و از سوی دیگر با توجه به هدف تحقیق که در آن تلاش بر اصالت و دقت در پژوهش مد نظر بود، ارجاع تصاویر مقاله به منابع مکتوب امکان‌پذیر نشده و بیشتر با تکیه بر یافته‌های میدانی و شواهد موجود صورت پذیرفته است. همچنین جهت ایجاد وضوح بیشتر و بررسی بهتر ساختار نقوش، در بسیاری از نمونه‌ها به کمک رایانه طراحی مجدد از نگاره‌های سوزن‌دوزی انجام و غالباً در کنار نقش اصلی در متن مقاله آورده شده است.

تحقیق حاضر در دو بخش کلی تدوین شده است. در بخش اول به جهت اهمیت آشنایی با فرهنگ و شیوه زندگی اقوام بلوچ به معرفی این اقوام و جایگاه اجتماعی زن در میان آن‌ها پرداخته شده و بخش دوم به نقوش موجود در محصولات سوزن‌دوزی بر مبنای ویژگی‌های ظاهری آن‌ها

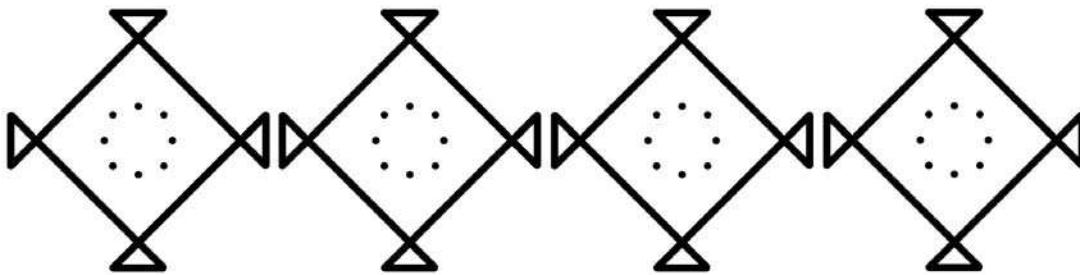
ساختار صوری نقوش طبیعی در  
سوزن‌دوزی زنان بلوچ (باتاکید  
بر نمونه‌های شهرستان سراوان)



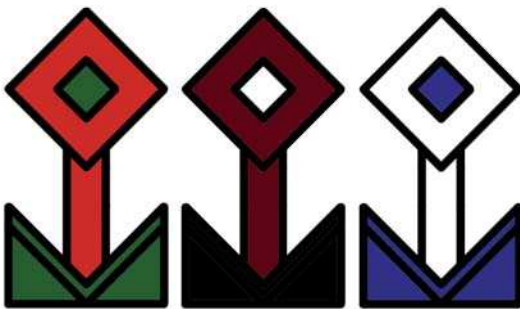
تصویر ۶. طرح کَنَرُوک به شکل گل قاصدک



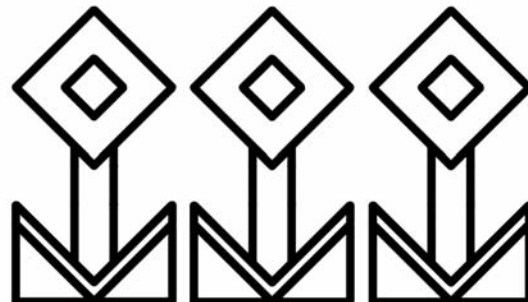
تصویر ۵. نقش کَنَرُوک (Katarok)



تصویر ۷. طرح گل تَک (Tekk)



تصویر ۹. شیوۀ استفاده از رنگ در طرح گل سُهر (Sohr)



تصویر ۸. طرح گل سُهر (Sohr)

آن‌ها به صورت قبیله‌ای و عشیره‌ای زندگی کرده و از طریق شبانی و کشاورزی امرار معاش می‌کردند (شه‌بخش، ۱۳۷۳: ۱۰). زندگی اجتماعی این اقوام از گذشته مخلوطی از زندگی عشایری و روستایی بود، اما طی چند دهه به علت خشک‌سالی‌های پی‌درپی، که نابودی مراتع و چراگاه‌ها را به همراه داشت، شیوۀ زندگی عشایری و دامپروری کاهش یافته و کوچ اقوام بلوچ به نوعی زندگی نیمه‌کوچ‌نشینی تبدیل شد. امروزه بخش زیادی از آن‌ها با استقرار در مناطق روستایی به باغداری و کشاورزی اشتغال دارند.

شکل دیگر زندگی اجتماعی در بلوچستان زندگی شهری است. امروزه در مناطق شهری انواع مشاغل در میان اقوام بلوچ گسترش یافته است. ذکر این نکته ضروری است که بلوچستان تا اواخر دوره قاجاریه فاقد شهرهای مبادلاتی و مناسبات اجتماعی شهری بود (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۷۲). با ورود قوای نظامی حکومت پهلوی اول در سال (۱۳۰۷ش) به بلوچستان شهرهایی به سبک جدید ایجاد شد. این موضوع تغییر بعضی ملاک‌ها و ارزش‌های اجتماعی را به همراه داشت. تا پیش از این دوران، داشتن اصل و نسب، املاک فراوان و رمه‌های بزرگ ملاک تشخیص و نفوذ اجتماعی

مطالعه منابع تاریخی و جغرافیایی نشان می‌دهد که نام بلوچ اولین بار در سده چهارم هجری در منابع مکتوب درج شده و محدوده سکونت این اقوام نیز در دشت‌های جنوبی کرمان و در دامان کوهستان بشگرد (بشاگرد) ذکر شده است. سپس در دوره سلجوقیان، اقوام بلوچ از نواحی کرمان به سوی شرق و به داخل مکران و بلوچستان کنونی مهاجرت کردند (بویل، ۱۳۷۹: ۶۴).

درباره فرهنگ و شیوۀ زندگی مردم بلوچ در متون تاریخی اطلاعات زیادی درج نشده است. کهن‌ترین منابع در این خصوص منابع فارسی و عربی به‌جامانده از نخستین سده‌های اسلامی است. در همه این منابع، اقوام بلوچ دارنده صفاتی نظیر چالاک، قوی، رشید، صاحب‌قدرت و جنگجو دانسته شده‌اند که از راه دامپروری امرار معاش کرده و در خیمه‌هایی مویین زندگی می‌کنند. از شیوۀ زندگی این اقوام بیش از این نمی‌توان اطلاع دقیقی به دست آورد، چراکه کوچ‌نشینی بلوچ‌ها همواره مانع از آن شده است که فرهنگ آن‌ها به مرحله تدوین رسیده و مکتوب شود.

بررسی‌های صورت‌گرفته در قرن اخیر درباره فرهنگ و شیوۀ زندگی این اقوام حاکی از آن است که تا چند دهه قبل

۱. برای نمونه تک: ابن حوقل، ۱۳۴۵، اصطخری، ۱۳۴۰، حدود العالم، ۱۳۶۲، مقدسی، ۱۳۶۱.



بلوچ بیشتر به کارهای خانه و تربیت و نگهداری کودکان می‌پردازند، و مردان بلوچ در جمازه‌سواری<sup>۲</sup>، تیراندازی، شکار، کوه‌نوردی، صحرانوردی و پیاده‌روی بی‌نظیرند.

بیشترین سهم کار در هنگام کوچ و همچنین جمع‌آوری دام، تهیه تولیدات دامی و خانه‌داری را زنان بر عهده دارند، بدین ترتیب که از جاکندن سیاه‌چادر و بار کردن به موقع آن از وظایف بانوان است. جمع‌آوری هیزم، پرورش کودکان، آوردن آب از چاه، دوشیدن دام و تهیه فرآورده‌های دامی نیز کار زنان است و آن‌ها در اوقات فراغت به گلیم‌بافی، حصیربافی، سوزن‌دوزی، بافتن سیاه‌چادر و فعالیت‌های دیگری نظیر آن می‌پردازند (افشار سیستانی، ۱۳۷۰: ۱۵۱).

پدر رئیس خانواده و مادر پس از او محترم‌ترین و بانفوذترین فرد خانواده است. در میان فرزندان، پسران نسبت به دختران از موقعیت برتری برخوردار بوده و بین پسران یک خانواده سلسله‌مراتب سنی مبین برتری آنان است. زن بلوچ مورد احترام مرد بلوچ بوده و اطاعت از شوهر را وظیفه حتمی خود می‌داند. مرد هم تمام وظایفی را که اسلام نسبت به زن برایش معین کرده است، انجام می‌دهد (همان، ۱۳۶۶: ۹۵۹).

به طور کلی، وظایف زنان بلوچ را مواردی چون: تربیت و نگهداری کودکان، پخت‌وپز، جمع‌آوری هیزم، نظافت خانه، تهیه فرآورده‌های دامی، فراهم کردن آب، دوخت و دوز، سوزن‌دوزی، گلیم‌بافی، قالی‌بافی و بافتن سیاه‌چادر شامل می‌شود. قسمت اعظم وقت زنان بلوچ پس از رسیدگی به امور خانواده، صرف تولید سوزن‌دوزی‌های اصیل و فاخری می‌شود که روی لباس‌های زیبای آنان خودنمایی می‌کند (تصاویر ۱ و ۲).

البته باید توجه داشت که موقعیت اجتماعی زنان، میزان ثروت خانوادگی یا تعلق آن‌ها به یک ذات نیز بر شیوه زندگی آن‌ها تأثیر قابل توجهی داشته و به این ترتیب زنان متعلق به ذات‌های بالا از انجام بسیاری از این امور معاف‌اند. امروزه، با گسترش پیشرفت‌های صنعتی و اقتصادی و افزایش تحصیلات عالی در میان زنان بلوچ، بانوان تحصیل کرده بلوچ عهده‌دار وظایف اجتماعی متعددی نیز هستند.

### هنر سوزن‌دوزی بلوچ

هنر سوزن‌دوزی یا دوخته‌دوزی آراستن پارچه‌های ساده



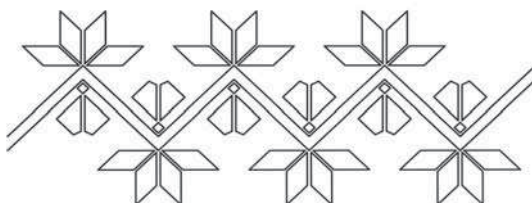
تصویر ۱۰. نقش‌بته‌مورد استفاده روی رومیز



بود، ولی پس از ایجاد شهرهای جدید، مشاغل دولتی و اداری ارزش فراوان یافت (شه‌بخش، ۱۳۷۳: ۱۹).

با وجود این، همواره عنصر «ذات» از تعیین‌کننده‌ترین عوامل در شکل‌دهی پایگاه اجتماعی مردم بلوچ بوده است. «ذات» در واقع همان اصل و نسب بوده و نشان‌دهنده پایگاه اجتماعی و مرتبه افراد در اجتماع است (برقی، ۱۳۳۶: ۶۶). تولد در هر ذات مقررات و محدودیت‌های همان ذات را به ارمغان می‌آورد. نزول یا صعود موقعیت اجتماعی و فقر یا مکنث تأثیری بر تغییر ذات بر جای نمی‌گذارد. اساس ذات خون مشترکی است که در رگ‌های افراد وابسته به آن جریان دارد. بررسی منابع شفاهی و حماسه‌های بلوچ نشان می‌دهد که این موضوع از عوامل اصلی اتحاد در میان آن‌ها به شمار رفته و افراد یک طایفه و وظیفه دارند در هر شرایطی برای خوش‌نامی طایفه خویش بکوشند (شه‌بخش، ۱۳۷۴: ۴۲). عامل اصلی تعیین‌کننده منزلت اجتماعی زن در میان اقوام بلوچ تعلق وی به ذاتی است که در آن متولد شده است. وابستگی بلوچ‌ها به حفظ سنت‌های رایج سبب گسترش ازدواج‌های درون‌گروهی شده است، چراکه فقط افراد متعلق به یک ذات قادر به ازدواج با یکدیگر هستند. مردان متعلق به ذات‌های بالاتر در برخی از موارد قادر به ازدواج با زن‌های متعلق به ذات پایین‌تر هستند، اما ازدواج زنان با ذات پایین‌تر از خود متداول نیست (ناصری، ۱۳۵۸: ۴۵).

فعالیت زنان بلوچ نیز به ذاتی است که در آن متولد شده‌اند بستگی دارد. در حالی که زنان ملک و میرا کمتر به امور خانه می‌پردازند، زن‌های طبقات پایین دوشادوش مردان برای تأمین مخارج خانواده به فعالیت مشغول‌اند و گاهی بسیاری از امور مربوط به مردان را نیز عهده‌دار می‌شوند. زنان

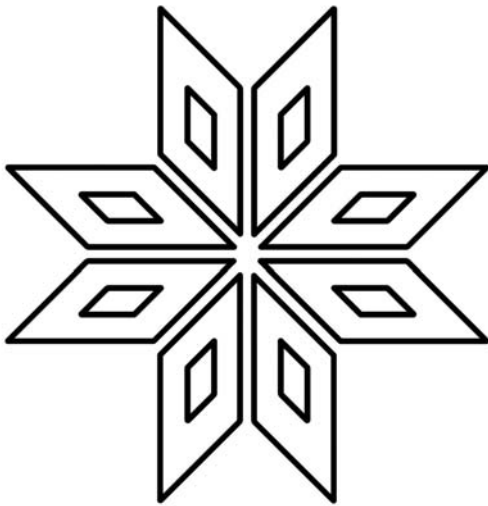


تصویر ۱۲. طرح گل چهاربرگی

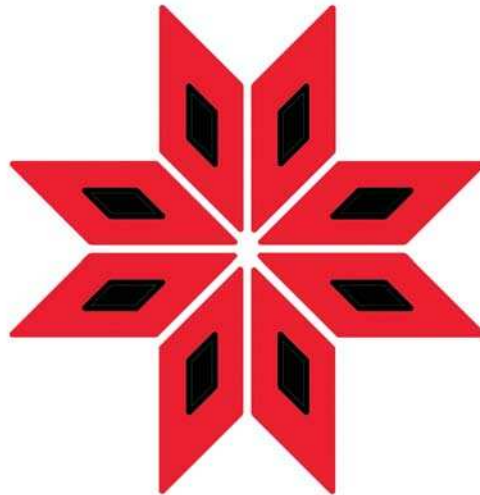


تصویر ۱۲. گل چهاربرگی مورد استفاده روی پشتی

۱. طبقه ملک و میر بالاترین طبقه اجتماعی محسوب می‌شوند (نک. ناصری، ۱۳۸۵: ۴۴).  
۲. جمازه: شتر تندرو



تصویر ۱۵. طرح گل هشت‌برگی



تصویر ۱۴. گل هشت‌برگی مورد استفاده روی پشتی

کوچ، پیپ، دامن، محمدآباد، چانف، مهنت، ورکات، قاسم‌آباد، مارندگان، خاش، مته سنگ، کله‌گان، بمپور، اسماعیل‌آباد و زاهدان اشاره کرد.

ویژگی‌های مشترکی نیز در نگاره‌های سوزن‌دوزی کلیه این مناطق قابل مشاهده است که شاخص‌ترین ویژگی آن استفاده از مجموعه گسترده‌ای از نقش‌های هندسی و خطوط شکسته است و خطوط منحنی و دایره در سوزن‌دوزی بلوچ به‌ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرند. با توجه به ویژگی‌های صوری اغلب نگاره‌های سوزن‌دوزی، خاستگاه این نقش و نگارها را می‌توان در موضوعات زیر جستجو کرد:

۱) **عناصر طبیعت:** تجلی شکل‌های ساده و درشت طبیعت پیرامون در آثار هنری اقوام بلوچ انعکاس گسترده‌ای یافته است. طبیعت خشک کویری، کوه‌های بلند و سخت، طوفان‌های شدید شن و سختی معیشت کشاورزی، در طول تاریخ موجب شده است تا خشونت فرم‌ها و زاویه‌های تیز در هنر این اقوام مخصوصاً سوزن‌دوزی تجلی پیدا کند (افروغ، ۱۳۸۸: ۸۳). در این نقوش مثلث و زاویه اساس نقش‌ها را تشکیل می‌دهد. نگاره‌های گیاهی و حیوانی از مهم‌ترین عناصر مورد استفاده هستند که بازتاب فرهنگ کشاورزی، عشایری و دامپروری است.

۲) **زیورآلات:** زرگری یکی از اصیل‌ترین هنرهای صناعی است که در نقوش سوزن‌دوزی بلوچ تجلی یافته است.

۳) **عناصر مرتبط با اعضای بدن انسان:** چشم‌یکی از مهم‌ترین اعضای بدن انسان است که به شکل‌های مختلف در خلق نگاره‌های سوزن‌دوزی به کار می‌رود (دکالی، ۱۳۸۵: ۱۱۶).

۴) **موضوعات ذهنی و تخیلی:** تخیلات و آرزوها منشأ بخش دیگری از نقش‌های سوزن‌دوزی هستند.

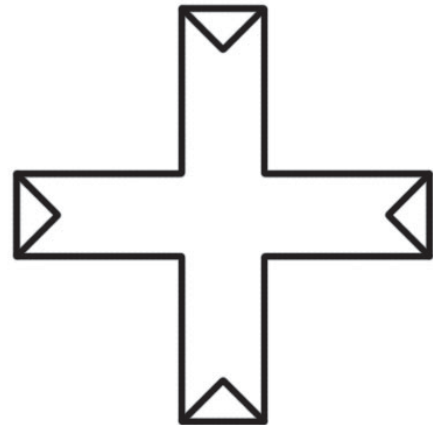
به‌وسیله نگاره‌های چشم‌نواز و تبدیل آن‌ها به منسوجاتی با رنگ‌های متنوع و جذاب است. این هنر در میان بسیاری از اقوام و طوایف جهان مرسوم است. سوزن‌دوزی، که در اصطلاح محلی به آن «سُوچن‌دوزی» نیز گفته می‌شود، از اصیل‌ترین هنرهای رایج در میان اقوام بلوچ است، اما به‌رغم اصالت چشمگیر و قابل ملاحظه این هنر باید خاطر نشان ساخت که به‌دلیل فقدان مطالعات مستمر و در دسترس نبودن منابع تاریخی بررسی پیشینه سوزن‌دوزی بلوچ و تعیین قدمت تاریخی آن به‌راحتی امکان‌پذیر نیست. با وجود این، می‌توان گفت سوزن‌دوزی با صنعت تولید ابریشم رابطه‌ای مستقیم دارد و قراین تاریخی مبین آن است که در گذشته پرورش کرم ابریشم در بلوچستان معمول بوده و تجارت ابریشم بازار گرمی داشته است (ناصح، ۱۳۴۵: ۳۷).

در برخی از منابع زمان شروع این هنر ۱۰۰ تا ۲۰۰ سال پیش از اسلام و به قومی به نام اسلاوها نسبت داده شده است (خاموشی، ۱۳۸۷: ۷۳). بر اساس این منابع، آن‌ها تولید ابریشم و استفاده از آن را در پارچه‌بافی و سوزن‌دوزی به زنان بلوچ آموختند. هرچند درباره صحت این مطلب نمی‌توان اظهار نظر قاطعی کرد، شواهد موجود حاکی از آن است که این شیوه دوخت از اوایل اسلام در میان قوم بلوچ رایج بوده و در دوره ایلخانی و به‌خصوص دوره‌های تیموری و صفوی به اوج خود رسیده است (یاوری، ۱۳۹۰: ۳۶).

امروزه این هنر به شکل سنتی ماندگار در بین بیشتر زنان بلوچ رواج دارد و در اکثر مناطق بلوچستان تولید محصولات سوزن‌دوزی متداول است. از مهم‌ترین این مراکز می‌توان به سراوان، سیب و سوران، گشت، کلگان، جالق ایرندگان، اسپکه، سورمیچ، شهریانج، فنوج، هریدوک،



تصویر ۱۷. طرح کتار پادک (Kettâr Pâdak)



تصویر ۱۶. طرح گل هشت‌برگی



تصویر ۱۸. نقش «هشت‌دُمب» (Hošter Domb)

جلوهای بی‌همتا به هنر آنان بخشیده است و آن‌ها به طور سنتی از این نقوش برای تزیین لباس و وسایل زندگی استفاده می‌کنند. انعکاس پدیده‌های زندگی و طبیعت در سوزن‌دوزی بلوچ نقوش متنوعی را پدید آورده است که می‌توان آن‌ها را در چند بخش کلی دسته‌بندی کرد:

#### ۱) نقوش هندسی

نقش‌های هندسی بیش‌ترین کاربرد را در سوزن‌دوزی زنان بلوچ دارد، به گونه‌ای که هماهنگی حاکم بر نقوش سوزن‌دوزی تا حد زیادی مرهون تناسبات سنجیده میان تعداد بی‌شماری از عناصر هندسی بنیادین مانند مثلث، مربع، لوزی و نظایر آن است. این نقوش را می‌توان در دیگر هنرهای سنتی مانند سفال‌گری، زرگری و دیگر موارد مشاهده کرد.

تنوع به‌کاررفته در این نقوش بسیار زیاد است و در عین سادگی بسیار زیبا و جذاب است. نمونه‌هایی از نقوش‌های هندسی را می‌توان در تصویر ۳ مشاهده کرد.

#### ۲) نقوش طبیعی

نقش‌های طبیعی (وابسته به طبیعت) در سوزن‌دوزی بلوچ را می‌توان در دو دسته نقوش گیاهی و حیوانی بررسی کرد. اساس این نقوش بر پایه نقوش‌های هندسی نهاده شده است، اما بنا به تفکیک موضوعی و دارا بودن تازگی‌های تصویری می‌توان آن‌ها را به صورت جداگانه بررسی کرد.

۵) **مذهب و باورهای قومی:** باورهای قومی و مذهبی از دیگر عوامل بسیار مهم در طراحی نگاره‌های سوزن‌دوزی است. داستان‌های حماسی، که نمایانگر روحیه رزم‌آوری و سلحشوری بلوچ‌هاست، بهترین تجلی خود را در فرم‌های تیز و زاویه‌دار و رنگ‌های گرم و قرمز پیدا می‌کند. ممنوعیت استفاده از نقش انسان در سوزن‌دوزی که نشئت‌گرفته از باورهای مذهبی و اسلامی است به‌عنوان یک قانون کلی در سوزن‌دوزی پذیرفته شده است (دکالی، ۱۳۸۵: ۱۱۶).

در سوزن‌دوزی بلوچ سه الگوی متداول دوخت به نام‌های پُرکار، میان‌کار و کم‌کار رایج است. منظور از این سه شیوه میزان تراکم نقوش سوزن‌دوزی روی پارچه است، به این ترتیب که اگر تمام پارچه مدنظر سوزن‌دوزی شود نوع دوخت «پُرکار» محسوب می‌شود، اما اگر بیشتر قسمت‌های پارچه سوزن‌دوزی شود و فواصل کمی باقی بماند، دوخت «میان‌کار» و اگر فواصل باقی‌مانده زیاد باشد نوع دوخت «کم‌کار» نامیده می‌شود.

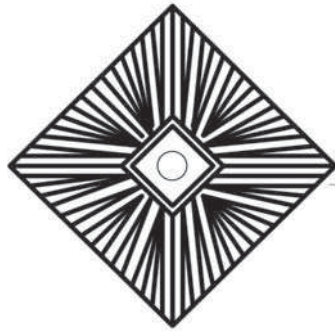
#### انواع نقوش سوزن‌دوزی بلوچ

تنوع در نقوش سوزن‌دوزی بلوچ از ویژگی‌های بارز آن است. گستردگی این نقش‌ونگارها که با تکرار تعداد بی‌شماری از نقوش هندسی صورت می‌گیرد نه تنها مانعی در خلاقیت زنان سوزن‌دوز به شمار نمی‌رود بلکه همواره آنان را به ابداع ترکیب‌هایی تازه و امی‌دارد. این ترکیب‌ها با الهام از طبیعت پیرامون و در پرتو رنگ‌آمیزی‌هایی بدیع

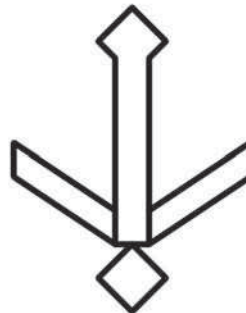




تصویر ۲۱. طرح مرغ



تصویر ۲۰. طرح بال کبوتر



تصویر ۱۹. طرح مُرگ پانچ (Morg Panč)

لوزی‌های به هم پیوسته گسترش می‌یابد. این طرح بیشتر در محصولاتمانند پشته‌ی، روبالشی، کیف، کوسن، رومیزی و نظایر آن کاربرد دارد (تصاویر ۱۴ و ۱۵).

**گل سرخ:** نوعی علامت چلیپاست که بر قسمت داخلی رئوس آن مثلث‌های کوچکی قرار گرفته است (تصویر ۱۶).

#### ب) نقوش حیوانی

این نقوش را می‌توان به دو دسته نقوش انتزاعی و واقع‌گرایانه تقسیم کرد:

##### ب.۱) نقوش انتزاعی

این نقوش برگرفته از ویژگی‌های شاخص انواع حیواناتی است که بیشتر آن‌ها در خود منطقه بلوچستان وجود دارند. برای مثال «کتار پادک» (Kattar Pâdak) به معنای پای حشره و «مُرگ پانچ» (Morg Panč) به معنای پای مرغ از این نمونه است.

**کتار پادک** (Kattar Pâdak): در زبان بلوچی به معنای پای حشره است و نگاره آن برگرفته از نقوش ساده هندسی به شکل یک دایره محصور در لوزی با زائده‌های گوناگون است. این نگاره نیز از نقوش پُرکاربرد در سوزن‌دوزی زنان بلوچ است (تصویر ۱۷).

**هُشتر دُمب** (Hošter Domb): یا دُم شتر از اصلی‌ترین نقوش مکمل در سوزن‌دوزی و جزو متداول‌ترین نقوش‌های حیوانی رایج در سوزن‌دوزی بلوچ است (تصویر ۱۸).

**مُرگ پانچ** (Morg Panč): به معنی پای مرغ است و طرح ساده‌شده و هندسی آن تصویری نمادین از این موضوع را ارائه می‌دهد (تصویر ۱۹).

**بال کبوتر:** طرحی است مرکب از دو لوزی و یک دایره که در هر رأس بزرگ لوزی اشکالی به صورت بال طراحی شده است (تصویر ۲۰).

##### ب.۲) نقوش واقع‌گرایانه

نقوش‌های واقع‌گرایانه حیوانات گوناگون بیشتر بر دست‌بافته‌های عشایری اقوام بلوچ از قبیل نمکان، سفره، گلیم و فرش کاربرد دارد و استفاده از آن‌ها پیش‌تر روی سوزن‌دوزی‌ها متداول نبوده است، اما در سال‌های اخیر استفاده از این نقوش به صورتی بسیار محدود بر روی

#### الف) نقوش گیاهی

جذابیت‌های بصری نقش گل و تنوع موجود در آن، ذهن زن سوزن‌دوز را به نقش‌آفرینی صور نمادین انواع گل‌ها و گیاهان کشانده است و زن سوزن‌دوز بلوچ با خلاقیت قابل ملاحظه‌ای از کنارهم قراردادن چند مربع، لوزی، مثلث یا مستطیل انواع نگاره‌های گل و گیاه را می‌آفریند. این نقوش‌ها گاهی کاملاً انتزاعی است (تصویر ۲۱).

این نقوش گاهی نیز در شکل‌هایی کاملاً واقع‌گرایانه ارائه می‌شود و زنان سوزن‌دوز با حفظ ویژگی‌های هندسی نقوش‌ها طرح‌هایی ساده اما زیبا از گل‌های گوناگون را به تصویر می‌کشند. از عمده‌ترین این نقوش می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

**کَتَرُوک** (Katarok): شامل چند خط کوتاه است که روی هم قرار گرفته و گل‌های ریزی را به شکل گل قاصدک ایجاد می‌کند (تصاویر ۵ و ۶).

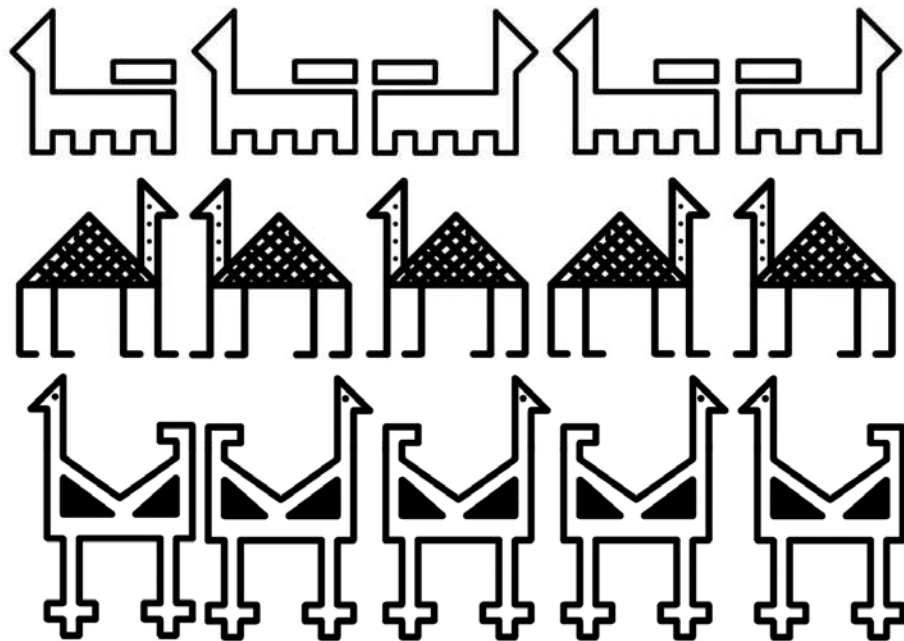
**تک** (Tekk): در زبان بلوچی به معنای گل است و از لوزی‌های منتظمی تشکیل شده که بر رأس‌هایشان مثلث‌های کوچکی قرار گرفته است. درون لوزی‌ها دایره‌های کوچکی مثل پرچم گل قرار دارد (تصویر ۷).

**گل سُوهر** (Sohr): گل سُوهر یا گل سرخ نقش ساده‌شده گلی است که با استفاده از چهار ضلعی و مثلث به شکلی متقارن طراحی شده است (تصاویر ۸ و ۹).

**بُته:** این نقش که به شکل لوزی طراحی شده است به صورتی نمادین طرح ساقه، برگ و شاخه را به تصویر می‌کشد (تصاویر ۱۰ و ۱۱).

**گل چهاربرگی:** این طرح در واقع نقش ساده‌شده یک گل است که از چهار لوزی همسان تشکیل شده و بر زمینه‌ای زیگزاگی واقع شده است. روبه‌روی گل یادشده و در حد فاصل دندان‌های زیگزاگ، غنچه دوبرگی کوچکی که با استفاده از یک لوزی و دو نوزنقه طراحی شده است قرار دارد. این طرح در سوزن‌دوزی بلوچ کاربرد بسیار زیادی دارد (تصاویر ۱۲ و ۱۳).

**گل هشتم‌برگی:** طرح کامل‌شده گل چهاربرگی است که به شکل‌های متنوع طراحی شده و به شکل شبکه‌ای از



تصویر ۲۲. تعدادی از نقوش حیوانی

محدودیت‌های قابل ملاحظه‌ای را در خصوص شیوه طراحی نقوش به ارمغان می‌آورد که متأثر از فرهنگ و باورهای مذهبی این اقوام است، مانند ممنوعیت استفاده از نقش انسان که طی سال‌های متمادی همچنان اعمال می‌شود و از این نظر کاملاً پذیرفته شده است. به همین دلیل، زنان هنرمند بلوچ در جستجوی تزیینات ایده‌آل خویش با کنار هم قرار دادن تعداد بی‌شماری از عناصر بصری ساده و ابتدایی نقوشی کاملاً خلاقانه را پدید می‌آورند. نقوش طبیعی را می‌توان مصادیق مناسبی از توجه بانوان هنرمند بلوچ به این ویژگی‌ها دانست. آن‌ها ضمن هماهنگ ساختن ساختار صوری نقوش طبیعی با سایر نقش‌های هندسی فضای منسجم و یکپارچه‌ای را ایجاد می‌کنند که از نظر نگارنده کاملاً موزون و هماهنگ به نظر می‌رسد و از این منظر فضای حقیقی طبیعت با فضای مجازی این آثار در ذهن بیننده تداوم می‌یابد (تصاویر ۲۵ و ۲۶).

بدین ترتیب، زن هنرمند بلوچ با استفاده از عناصر طبیعی امکان آن را می‌یابد که هنر ارزنده خویش را به نحو شایسته‌ای به مخاطب ارائه کند. ارتباط این آثار با فرهنگ رایج و فضای پیرامون از ارزش‌های قابل ملاحظه این هنر صناعی است. علاقه بی‌حد زنان بلوچ به آراستگی و زیبایی همراه با درایت و خلاقیتی قابل ملاحظه هنر منحصربه‌فردی را پدید آورده که سرشار از عشقی بی‌پایان به زندگی و طبیعت الهام‌بخش پیرامون آن‌هاست. نمونه‌ای از بازتاب عناصر طبیعی در نگاره‌های سوزن‌دوزی در جدول زیر قابل مشاهده است.

برخی محصولات سوزن‌دوزی مانند پشتی، پرده و رومیزی مشاهده می‌شود. این نقش‌ها به صورتی بسیار ساده طراحی می‌شود و هرچند ویژگی‌های واقع‌گرایانه در آن‌ها با شیوه طراحی نقش‌های سوزن‌دوزی بسیار متفاوت است قاعده کاربرد نقوش هندسی همچنان در آن‌ها به چشم می‌خورد (تصویر ۲۱). این نقش‌ها شامل تعدادی از حیوانات موجود در منطقه بلوچستان است و حیواناتی از قبیل مرغ، شتر و بز را دربرمی‌گیرد.

این نقش‌ها در لباس استفاده نمی‌شود و تعدادی از آن‌ها را می‌توان در تصویر ۲۲ مشاهده کرد.

### ۳) عناصر طبیعی

تجلی طبیعت در نقوش سوزن‌دوزی بلوچ فقط به موارد ذکر شده محدود نمی‌شود، بلکه طیف وسیعی از اشکالی را دربرمی‌گیرد که بازتاب سایر پدیده‌های طبیعی شامل کوه، رود، و نظایر آن است. نقش چپراس (Čaprās) از مشهورترین آن‌هاست (تصویر ۲۳) و از نوارهای زیگزاگی که به موازات هم قرار گرفته تشکیل شده است. این نقش بیان ساده‌ای از امواج آب و حرکت آن است. این طرح را معمولاً با دو رنگ متضاد می‌دوزند و از نقوشی است که در سوزن‌دوزی لباس استفاده نمی‌شود. نمونه‌ای از کاربرد این نقش را می‌توان در تصویر ۲۴ مشاهده کرد.

نمونه‌های ارائه‌شده مواردی است که از بطن آثار هنری اقوام بلوچ با توجه به ساختار زیبایی‌شناختی و کاربردی محصولات سوزن‌دوزی برای ارائه هنر منحصربه‌فرد آنان اخذ شده است. ویژگی کاربردی این محصولات

ساختار صوری نقوش طبیعی در  
سوزن‌دوزی زنان بلوچ (باتاکید  
بر نمونه‌های شهرستان سراوان)



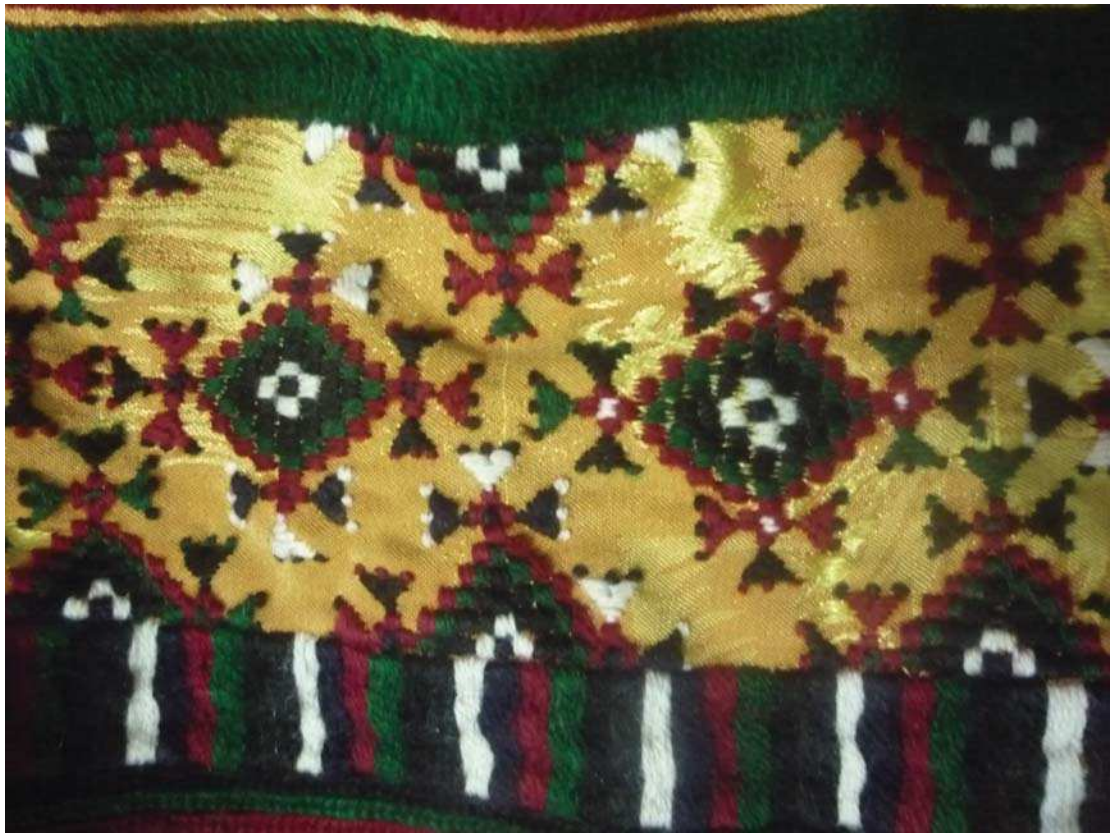
تصویر ۲۴. کیف کوچک با طرح چپراس، مأخذ: خاموشی، ۱۳۸۷: ۸۲



تصویر ۲۳. طرح چپراس (Čaprâs)

جدول ۱. تقسیم‌بندی نقوش طبیعی سوزن‌دوزی بلوچ با تکیه بر عناصر طبیعت

مثال	شکل ظاهری	شکل
	کتروک	نقوش گیاهی
	گل تک	
	گل شهر	
	گل چهاربرگی	
	هشتر دمب	نقوش حیوانی
	مُرگ پانچ	
	مرغ	
	چپراس	نقوش وابسته به محیط پیرامون



تصویر ۲۵. تلفیق نقوش گیاهی و هندسی در لباس زنانه بلوچ



تصویر ۲۶. کاربرد نقوش گیاهی در تزیین لباس زنانه بلوچ

## نتیجه

در نگاره‌های سوزن‌دوزی شهرستان سراوان گرچه مبنای بسیاری از نقوش و طرح‌ها بر پایه اصول هندسی نهاده شده است، اما با زندگی، طبیعت و بینش خاص مردم این منطقه به محیط پیرامون ارتباط مستقیم دارد، به گونه‌ای که ساختار صوری بسیاری از این نگاره‌ها از طبیعت اخذ شده است. همچنین نقوش طبیعی سوزن‌دوزی بلوچ گستره موضوعی متنوعی را دربرمی‌گیرد که آن‌ها را می‌توان در سه گروه کلی نقوش گیاهی، حیوانی، و ملهم از طبیعت جای داد. هماهنگی موجود بین نقوش طبیعی با سایر نقش‌های هندسی از دلایل اصلی کاربرد گسترده این نگاره‌ها در ترکیب کلی محصولات سوزن‌دوزی است که در این بین کاربرد نقوش گیاهی در قالب‌های هندسی بیشتر از دیگر انواع است. قابلیت‌های بصری این آثار را باید مدیون تلاش زنان سوزن‌دوز بلوچ در جهت ایجاد هماهنگی میان نقوش طبیعی و هندسه حاکم بر این آثار دانست. از دیگر ویژگی‌های مهم سوزن‌دوزی بلوچ می‌توان به تنوع و کثرت رنگ‌ها در این محصولات اشاره کرد که می‌تواند در آینده در پژوهش‌های مستقل دیگر مورد توجه قرار گیرد.

## منابع و مأخذ

- ابراهیمی، مریم. ۱۳۸۸. تحولات سیاسی و اجتماعی سیستان و بلوچستان از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ شمسی. تهران: بخارا.
- ابن حوقل. ۱۳۴۵. *صورؤ الارض*. ترجمه دکتر جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم. ۱۳۴۰. *المسالک و الممالک*. به اهتمام ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- افروغ، محمد. ۱۳۸۸. «فرم و رنگ در هنر بلوچ». کتاب ماه هنر، ۱۳۳: ۸۰-۸۵.
- افشار سیستانی، ایرج. ۱۳۷۰. *عشایر و طوایف سیستان و بلوچستان*. تهران: نسل دانش.
- افشار سیستانی، ایرج. ۱۳۶۶. *مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادر نشینان و طوایف عشایری ایران*. تهران: هما.
- اکبرزاده، داریوش. ۱۳۸۲. *کتیبه‌های پهلوی اشکانی (پارتی)*. تهران: پازینه.
- برقعی، محمد. ۱۳۳۶. *سازمان سیاسی حکومت محلی بنت در ایام حکمرانی خاندان شیرانی*. تهران: مازیار.
- بویل‌ج. آ. ۱۳۷۹. *تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانیان (تاریخ ایران کمبریج)*. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.
- بهارنان، محمدرضا. ۱۳۶۶. *عشایر ایران (عکس‌هایی از عشایر ایران)*. تهران: فرهنگسرا.
- جهانبانی، مهرمنیر. ۱۳۸۲. «پوشاک بلوچ در ایران». در: احسان یارشاطر (زیر نظر). *مجموعه مقالات پوشاک در ایران زمین*. ترجمه پیمان متین. تهران: امیرکبیر.
- حدود العالم. ۱۳۶۲. به کوشش دکتر منوچهر ستوده. تهران: طهوری.
- خاموشی، زهرا. ۱۳۸۷. «تحول کاربرد تزیین در سوزن‌دوزی بلوچ و ترکمن». *هنر اسلامی*، ۹: ۹۸-۷۷.
- دکالی، زیور، دکالی، زینت. ۱۳۸۵. «هنر سوزن‌دوزی زنان بلوچ». *فرهنگ مردم*، ۱۷: ۱۲۴-۹۷.
- سیدسجادی، سیدمنصور. ۱۳۷۴. *باستان‌شناسی و تاریخ بلوچستان*. تهران: سازمان میراث فرهنگی، شکرایی، سهیلا. ۱۳۶۶. *سوزن‌دوزی‌های بلوچ و کاربرد آن در نقوش پارچه*. پایان‌نامه کارشناسی، به‌راهنمایی لیلا ثمری. دانشگاه هنر تهران.
- شهبخش، عظیم. ۱۳۷۳. *پژوهشی در تاریخ معاصر بلوچستان (ماجرای دادشاه)*. شیراز: نوید شیراز.
- شهبخش، سعیدمحمد. ۱۳۸۲. *بررسی نقوش سنتی بلوچ و جایگاه آن در گرافیک*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به‌راهنمایی محمد خزایی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.



- شهبخش، سعیدمحمد. ۱۳۷۴. بررسی حماسه سرایی در زبان بلوچی. بی جا. صبا، منتخب. ۱۳۷۰. نگرشی بر روند سوزن دوزی های ایران. تهران: صبا.
- فروزان فر، فرزاد. ۱۳۷۴. بررسی پوشاک مردم سیستان و بلوچستان (طرح پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور)، پژوهش های مردم شناسی ۴.
- مخبر، محمدعلی. ۱۳۲۴. مرزهای ایران. تهران: کیهان.
- مقدسی، ابو عبدالله احمد بن احمد. ۱۳۶۱. أَحْسَنُ التَّقَاسِيمِ فِي مَعْرِفَةِ الْأَقَالِيمِ. ترجمه علی نقی منزوی. تهران: کاویان.
- سالنامه آماری سیستان و بلوچستان. ۱۳۸۹. زاهدان: معاونت برنامه ریزی استانداری سیستان و بلوچستان.
- ناصر، ذبیح الله. ۱۳۴۵. بلوچستان، تهران: سینا.
- ناصری، عبدالله. ۱۳۸۵. فرهنگ مردم بلوچ. بی جا.
- هانته، پاملا. ۱۳۸۲. «پوشاک بلوچ در افغانستان و پاکستان»، در: احسان یارشاطر (زیر نظر). مجموعه مقالات پوشاک در ایران زمین. ترجمه پیمان متین. تهران: امیرکبیر.
- یاوری، حسین، منصوری، آنیثا و سلطانی، شریفه. ۱۳۹۰. آشنایی با هنرهای سنتی ایران (۳). تهران: آذر.
- یغمایی، اقبال. ۱۳۵۵. بلوچستان و سیستان. تهران: وزارت فرهنگ.

## Formal Structure of Natural Designs in Baluch Women's Needlework (With the Emphasis on Instances from Sarāvān Township).

Marzieh Ghasemi, Lecture, Faculty of Art, Zabol University, Zabol, Iran.

Sakine Khatoon Mahmoodi, Lecture, Faculty of Art, Zabol University, Zabol, Iran.

Seyyed Rasool Mousavi Haji, Phd. Associate Professor, Department of Archaeology University of Mazandaran, Iran.

Received: 2013/6/14

Accepted: 2014/1/11



Needle work is one of the commonest and at the same time most outstanding arts among Baluch women, in spite of having been greatly well-known, in most of the research done in this field, less and less attention is paid to the formal structure of designs. In this research, with the purpose of a better clarification and representation of Baluch needlework art (located in Sistan and Baluchistan province) and its relational aspects of design structures with natural elements, on the premise that nature plays an important role in design of formal structure of Baluch women's needlework it is attempted to find answers to these questions as; whether there is basically a relationship between Baluch needlework designs with natural elements or not? If it is so, how can these illustrations leaning on natural elements be categorized? Therefore, in conducting this research descriptive and analytic methods are used to find the answers to these questions. In order to do so, Baluch needlework formal design structures are examined in two groups of vegetative and animal designs. The results showed that Baluch needleworker women, in designing natural motifs, not only considered aesthetic relations and their surrounding environment, but also paid attention to their functional role proportionate with the geometric design style.

**Key words:** Needlework, Baluch Women, Natural Motifs, Formal Structure, Sarāvān Township.